

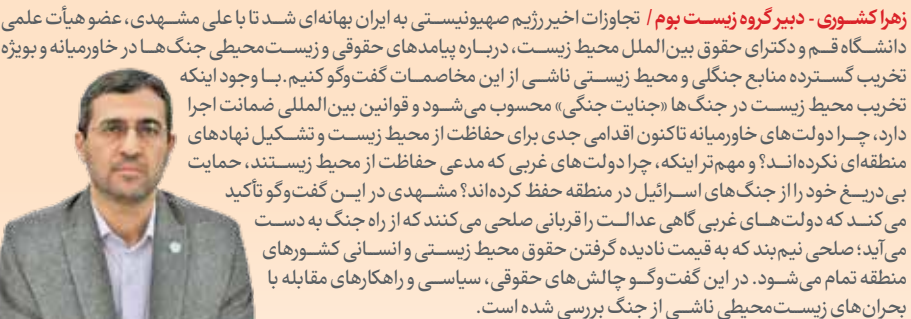
بررسی چالش های حقوقی تخریب محیط زیست در جنگ ها

در گفت و گو با علی مشهدی، استاد دانشگاه

«بوم زدایی»

مصادق جنایت جنگی است

گفت و گو



دکتر امیر کشوری - دبیر گروه زیست بوم - تجاوزات اخیر رژیم صهیونیستی به ایران پهناهی شد تا با علی مشهدی، عضو هیات علمی دانشگاه قم و دکترای حقوق بین الملل محیط زیست، درباره پیامدهای حقوقی و زیست محیطی جنگ ها در خاورمیانه و بویژه تخریب محیط زیست در جنگ ها «جنایت جنگی» محسوب می شود و قوانین بین المللی ضمانت اجرا دارد، چرا دولت های خاورمیانه تاکنون اقدامی جدی برای حفاظت از محیط زیست و تشکیل نهادهای منطقه ای نکرده اند؟ و مهم تر اینکه، چرا دولت های غربی که مدعی حفاظت از محیط زیستند، حمایت بی دریغ خود را از جنگ های اسرائیل در منطقه حفظ کرده اند؟ مشهدی در این گفت و گو تأکید می کند که دولت های غربی گاهی عدالت را قربانی صلحی می کنند که از راه جنگ به دست می آید؛ صلحی نیم بند که به قیمت نادیده گرفتن حقوق محیط زیستی و انسانی کشورهای منطقه تمام می شود. در این گفت و گو چالش های حقوقی، سیاسی و راهکارهای مقابله با بحران های زیست محیطی ناشی از جنگ بررسی شده است.

حملات صورت گرفته در جنگ اخیر که دوازده روز طول کشید، از دیدگاه حقوقی و زیست محیطی چه آسیب هایی می تواند به همراه داشته باشد؟ آیا سابقه ای برای مقایسه در خلیج فارس و منطقه وجود دارد؟

در اعلامیه ریسو ۱۹۹۲ بند مهمی وجود دارد که اشاره دارد بر اینکه جنگ ذاتاً اثر مخرب بر محیط زیست دارد. بنابراین طبیعی است که تمامی جنگ ها می توانند آثار ناگوار بر محیط زیست بگذارند، از آلودگی هوا گرفته تا تخریب شدید محیط زیست، آلودگی آب های زیرزمینی و انواع و اقسام آلودگی های دیگر. . یعنی جنگ ذاتاً اثر مخرب دارد ولی در نقطه مقابل، صلح اثر مثبت دارد.

آیا در تحلیل های شما تمرکز اصلی روی آثار جنگ های خاورمیانه بر محیط زیست است؟

بله، به لحاظ موضوعی و موردی در مخاصماتی که در خاورمیانه اتفاق افتاده، تخریب محیط زیست آسیب های جدی به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی دولت ها وارد کرده؛ دولت ها را با چالش های شدیدی مواجه کرده و هزینه جبران خسارات آن سر به فلک کشیده است. کمسیون حقوق بین الملل در سال ۲۰۲۲ سندی را تدوین کرد تحت عنوان اصول حفاظت از محیط زیست در مخاصمات مسلحانه و موضوع جنگ و محیط زیست را در سه مرحله متمایز تقسیم بندی کرد که این تقسیم بندی حقوقی به قبل از جنگ، حین جنگ و پس از جنگ می پردازد. یعنی محیط زیست و آثار جنگ بر آن را قبل از وقوع مخاصمه، حین وقوع مخاصمه و پس از وقوع مخاصمه در نظر می گیرد. قبل از وقوع مخاصمه بیشتر پیشگیرانه است که ما محیط زیستی ها به آن می گویم «Golden Rule» یا قاعده طلایی، در این مرحله هدف این است که اساساً جنگ پیش نیاید؛ یعنی اقدامات دولت ها به گونه ای باشد که اساساً مخاصمه وقوع پیدا نکند که فتنه قاعده طلایی است. در حین مخاصمات مسلحانه، بیشتر قواعد حقوقی به دنبال جلوگیری از آسیب های جدی به محیط زیست

این قواعد متعددند و مفصل که توضیح خواهم داد. بخش Post-war rules (قواعد پس از جنگ) هم داریم که بیشتر دنبال بازسازی و جبران خسارات زیست محیطی ناشی از مخاصمات مسلحانه و آسیب هایی است که به محیط زیست وارد شده. ما در این سه دوره زمانی معمولاً مطالعه می کنیم، نمونه های زیادی هم وجود دارد.

قدیمی ترین نمونه های که باعث شد به محیط زیست در حقوق بین الملل توجه شود، حمله ایالات متحده به ویتنام با عامل نارنجی (Orange Factor) بود. بعد از آن، جامعه بین المللی به دنبال تدوین «کنوانسیون ENMOD (تغییرات محیطی در جنگ ها)» رفت، کنوانسیون ۱۹۵۱ یک سند پایه است. ماده ۱۱ «کنوانسیون ENMOD که مخفف Environmental Modification Technique است به معنای تکنیک استفاده از تغییرات محیط زیستی در مخاصمات مسلحانه است. بنابراین تقسیم بندی های مختلفی دارد که مفصل است. مثلاً بعضی مواقع خود عناصر محیط زیست به عنوان سلاح هستند، بعضی مواقع به عنوان هدف، اما گاهی محیط زیست خودش هدف است، گاهی هم Instrument (ابزار) است؛ یعنی فروض متعددی دارد.

مثلاً در بحث تجاوز رژیم اسرائیل، محیط زیست تارگت یا هدف بود، ابزار نبود، ولی آمریکایی ها در ویتنام به عنوان ابزار استفاده کردند یا عامل نارنجی را روی جنگل ها و ویتنام پخش کردند که باعث شد جنگل تقریباً خالی از برگ شود. چون سربازان ویتنامی از برگ درختان برای استنار استفاده می کردند.

آیا آمار یا مستنداتی داریم که میزان آسیب به گونه های زیستی و ارتباط آن با تغییرات اقلیمی جهانی را در جنگ ها مشخص کند؟

بله، طبعاً جنگ آثار متعددی روی محیط زیست برجای می گذارد. آنچه از لحاظ حقوقی مورد توجه ماست، آثاری است که سه ویژگی دارند؛ یعنی آثار شدید، گسترده و طولانی مدت دارند. ما به غیر از این سه حالت، از منظر حقوقی توجه کمتری به خسارات داریم. ببینید، جنگ یک امر اجتناب ناپذیر بوده و تخریب محیط زیست در جنگ ها رایج است. خاک آلوده می شود، آب از بین می رود، آلودگی هوا ایجاد می شود ولی بسیاری از این خسارات از نظر حقوقی قابل توجیه است. برای مثال، در قالب اصل ضرورت نظامی، فرماندهان جنگی گاهی از عوامل محیط زیست به عنوان ابزار حمله یا استنار استفاده می کنند. طبیعی است که فرماندهی برای جلوگیری از اتلاف نیروهایش از جنگل به عنوان استنار استفاده کند یا از منابع آبی بهره برد. معمولاً وقتی برای دانشجویان حقوق مخاصمات تدریس می کنیم، از من می پرسند که یعنی حفظ محیط زیست در جنگ به معنای اتلاف نیرو است؟ پاسخ من این است که خیر. در حقوق محیط زیست، خساراتی که این سه ویژگی (شدید، گسترده و طولانی مدت) را داشته ملاک هایی را تعیین کرده اند، مثلاً خسارت باید بیشتر از چند کیلومتر باشد یا از لحاظ شدت به جان انسان ها، گیاهان و جانوران آسیب وارد کند. به این موارد اصطلاحاً «اکوساید» یا «زست بوم کشی» گفته می شود. به همین دلیل حمله به تأسیسات هسته ای ممنوع است، چون می تواند خسارات شدید، گسترده و طولانی مدت ایجاد کند. خسارات جزئی، معمولاً قابل اغماضند. برای نمونه، در پرونده حمله عراق به کویت، دادگاهی تحت عنوان کمیسیون غرامات سازمان ملل تشکیل شد. این کمیسیون حدود ۱۸۲ پرونده زیست محیطی را بررسی کرد، از جمله شکایتی از صیادانی که کاهش صید را در نتیجه جنگ گزارش کردند و غرامت می داد.

بنابراین، این موضوع معیارهای خاص سازمان ملل نشان می دهد که در شصت سال گذشته، حدود ۴۰ درصد مخاصمات مسلحانه مرتبط با محیط زیست بوده اند یا بر محیط زیست تأثیر گذاشته اند. اگر اثرات زیست محیطی بر سایر جنگ ها را هم در نظر بگیریم، این عدد افزایش می یابد.

این جنگ ایران و عراق هم نمونه ای از تأثیرات گسترده زیست محیطی محسوب می شود؟ چه منایبی از بین رفتند؟

جنگ تعمیلی هشت ساله، جنگی بر سر مسأله محیط زیست نبود، هر چند شروع آن یک پدیده زیست محیطی مثل اروند رود بود، ولی در ادامه مسأله محیط زیست نبود ولی آثار زیست محیطی زیادی داشت؛ برای مثال در منطقه تنومه عراق، حدود ۱۴ هزار هکتار قیط درختان نخل از بین رفتند. همچنین در آفریقا(کامبوج، سیرالئون و...) بسیاری از درگیری ها بر سر منابع طبیعی مثل چوب، الماس، طلا، کاکائو، زمین های حاصلخیز و آب بوده است. بعضی ها حتی معتقدند درگیری هایی که در سوریه و عراق اتفاق افتاد و به ظهور داعش انجامید، ناشی از تغییرات اقلیمی است. یک پژوهشگر محیط زیستی به نام مارتین امالی که در زمینه محیط های شکننده قرن جدید کار می کند، به دنبال این است که بداند چه ارتباطی بین تغییر اقلیم و درگیری های مسلحانه وجود دارد. وی معتقد است که



همین سازمان های بین المللی یک دادگاه ویژه برای یک نفر تشکیل می دهند، آنجا عدالت است چون صلح آسیب نمی بیند. سؤال این است که چرا شورای امنیت برخی پرونده ها را به دیوان ارجاع می دهد و برخی دیگر را خیر؟ ریشه این موضوع در چالش صلح و عدالت در جهان آمیخته به سیاست و منفعت کنونی نهفته است.

صلح و عدالت از نگاه چه کسی؟ عدالت می گوید، هیچ کس نباید بدون پاسخگویی (بی کفیری) در قبال تخطی یا جنایتی که انجام داده، باقی بماند؛ چه رژیم صهیونیستی باشد و چه هر کشور دیگر. همه باید پاسخگو باشند و تحت پیگرد قانونی قرار بگیرند. اما چرا برخی پرونده ها ارجاع نمی شود، اینجا ما چالش صلح و عدالت را داریم. می گوید اگر می خواهید در جهان صلح باشد، پرونده مرا به دیوان عدالت کیفری ارجاع نده، اگر هم ارجاع شود، وتو می کنم. چون می خواهی در جهان با هم زندگی کنیم ولی عدالت چیز دیگری می گوید. چالش اینجااست که منافع قدرت های بزرگ تعیین کننده است و بسیاری از کشورها اجازه نمی دهند عدالت واقعی اجرا شود. این یکی از چالش های بنیادین روابط بین الملل است.

در طول سال ها، کشورهای خاورمیانه آسیب های فراوانی از جنگ ها دیدند. از جمله خسارات زیست محیطی که می تواند به استمرار درگیری ها منجر شود. آثا در این مدت، اندیشمندان و حقوق دانان این منطقه تلاش کرده یا موفق شده اند اعتراض و مطالبه ای برای تحقق عدالت و صلح جهانی در رابطه با این مسائل مطرح کنند؟ چرا، مطرح شده، مثلاً درباره خسارت زیست محیطی عراق و ایران کارهایی صورت گرفته، ولی ملاحظات سیاسی اجازه نداده است که شکایت شود یا بین المللی یا همان Green Cross International «است که اوایل این قرن مطرح شد. هدف این کمیته، مشابه صلیب سرخ است اما تمرکز آن بر محیط زیست است. این سازمان قرار است محیط زیست را در جنگ ها رصد و حمایت کند و سازوکاری برای حفظ صلح زیست محیطی فراهم کند، اما تا امروز این نهاد فعال نشده است.



برای مطالعه متن کامل این گفت و گو «کیوارک» را اسکن کنید.

پسماندها در جنگ داخلی سوریه انباشته شده یا چه گونه هایی از بین رفته اند. در جنگ ایران و عراق هم پژوهش هایی به صورت پایان نامه انجام شده، اما تمرکز تحقیقاتی جامع و منسجم کمتر دیده شده است.

با توجه به روابط نزدیک کویت با کشورهای غربی، آیا این روابط باعث شده که موفقیت کویت در پرونده های زیست محیطی علیه عراق تحت تأثیر قرار گیرد؟

بله، برخی می گفتند که اصلاً «کمیسیون غرامات ملل متحد، دادگاه محکومیت عراق بود. تقریباً هرکس شکایت کرد رای گرفت و جریمه های سنگینی برای عراق بردند. این یک مسأله بنیادی در حقوق بین الملل است. اینکه شما می بینید قوانین بین المللی همواره در حال نقض هستند، ما نمی توانیم بین نقض یک قاعده و عدم وجود یک قاعده بل بزنیم. این یک خطای منطقی است. مثلاً الان در تهران ممکن است ده تا کیف قاپی انجام شده باشد، ولی نمی توانیم بگویم چون این اتفاق افتاده پس قانون جزا به درد نمی خورد.

ما نمی خواهیم بگویم که قوانین بین المللی بی اثر هستند، اما مثلاً دنیای غرب، بر کاهش مصرف سوخت های فسیلی در توافقنامه پاریس تأکید می کند، در حالی که هم زمان از جنگ اسرائیل علیه ایران حمایت می کند. به نظر شما چرا کشورهای غربی قوانین بین المللی را که خودشان تدوین کرده اند به طور انتخابی اجرا می کنند و در برخی موارد نادیده می گیرند؟

ببینید در حوزه روابط بین الملل و حقوق بین الملل، ما با چالشی اساسی مواجه ایم که چالش صلح و عدالت است. اگر بخواهیم جهانی عادلانه داشته باشیم، صلح ممکن است به خطر بیفتد و اگر بخواهیم جهانی صلح آمیز داشته باشیم، طبعاً عدالت تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. برای مثال، فرض کنید شورای امنیت بخواهد پرونده فلسطین را به دیوان کیفری بین المللی ارجاع دهد. یا مثلاً موضوع نسل کشی مسلمانان روینگیا را در نظر بگیریم. اعضای شورای امنیت که پنج قدرت بزرگ هستند، اغلب در موضوع صلح با یکدیگر در تعارض اند. مثلاً آمریکا می گوید: «اگر می خواهید جهان صلح داشته باشد، به اسرائیل کاری نداشته باشید.» در نتیجه، هرگاه این پرونده ها مطرح می شود، این پنج قدرت بزرگ از حق وتو استفاده می کنند برای چه؟ برای همین صلح نیم بند. چرا وتو گذاشته شده است؟ به این دلیل که اگر بخواهیم مناسبات جهانی و توازن قدرت بین من و پنج قدرت (اعضای دائم) حفظ شود، این پرونده ها ارجاع نمی شوند. در واقع عدالت به نفع صلح قربانی می شود. اما وقتی پرونده ای مانند ترور رفیق حریری مطرح می شود،

آیا در همه جنگ هایی که اتفاق افتاده، پرونده ای در حوزه محیط زیست در دادگاه بین المللی مطرح شده است؟ بله فراوان. مثلاً در قضیه یوگسلاوی علیه ناتو به دلیل استفاده از اورانیوم ضعیف شده اقامه دعوا کرد. مثال واضح در خاورمیانه، کمیسیون غرامت سازمان ملل متحد در جنگ عراق علیه کویت بود. در آفرقا خیلی پرونده داریم؛ شکایت کنگو علیه اوگاندا. آنجا دولت اوگاندا به دلیل چپاول و غارت منابع طبیعی محکوم شد. در

اگر ضمانت اجرا هایی در حقوق بین الملل برای حفاظت از محیط زیست در زمان جنگ وجود دارد، چه موانعی بر سر اجرای آنها قرار دارد؟ یکی از ضمانت اجراهای قوی، مسئولیت بین المللی دولت ها و دریافت غرامت است که مسبوق به سابقه هم بوده است.

در کمیسیون غرامات ملل متحد، مسئولیت بین المللی و اخذ غرامت راهکار حقوقی و کیفری مهمی است. در پرونده جنگ عراق علیه کویت، ۱۸۲



حوزه آبی پرونده های زیادی وجود دارد.

آیا در حوزه خاورمیانه، بویژه درباره خسارات زیست محیطی ناشی از جنگ ها و حملات رژیم صهیونیستی، مطالعات و پژوهش های قابل استنادی وجود دارد؟

بله درباره حملاتی که رژیم صهیونیستی در این سال ها داشته است؛ مصادیق فراوانی وجود دارد و مطالعات زیادی صورت گرفته است. در لبنان، در سوریه، در مناطق اشغالی و حتی در عراق. مثلاً در حمله ای که سال ۱۹۸۱ رژیم صهیونیستی به نیروگاه هسته ای اوزیراک در عراق داشت. حمله به تأسیسات هسته ای در حقوق بین الملل ممنوع است. به دلیل اینکه حمله هسته ای می تواند تخریب گسترده و طولانی مدت محیط زیست را در پی داشته باشد.

آیا تاکنون مطالعه ای انجام شده که به طور مشخص خسارت های زیست محیطی مانند از بین رفتن گونه های حیوانی و گیاهی ناشی از جنگ های اسرائیل را بررسی کند؟ مطالعات پراکنده ای مثلاً در حوزه آب وجود دارد یا یک مرکز در آلمان وجود دارد که مثلاً مطالعه می کند ببیند چقدر اتفاقی می افتاد.

سوریه به خاطر اختلافات قومی و مذهبی بود. ترکیه با سدسازی روی (دجله و فرات) زمینه ساز بروز مناقشاتی درعراق و سوریه شده است.

به نظر شما بحران های محیط زیستی می توانند عامل اصلی جنگ باشند یا صرفاً نقش تشدیدکننده دارند؟

یک پژوهشگر محیط زیستی می گوید سوریه به خاطر اختلافات قومی و مذهبی و بنیادگرایی آمده نزار و درگیری بود. ولی عامل محیط زیست مثل کبریتی در انبار باروت بوده که دیگر عوامل مانند اختلافات قومی و مذهبی را تشدید کرده است. ولی مخالفان این نظریه می گویند شما عامل محیط زیست را خیلی پررنگ می کنید.

درحالی که این طور نیست. در عراق هم بخش بزرگی از کسانی که به داعش پیوستند، تحت تأثیر بیگاری، از دست دادن زمین های حاصلخیز و خشکسالی درعا مجبور به جیره بندی آب شد و اعتراضات زیست محیطی به تدریج تبدیل به اعتراضات سیاسی و اقتصادی شد که جنگ داخلی را شعله ور کرد. اول اعتراض زیست محیطی بود و دیوارنویسی می کردند اما دیدند دولت توجه نمی کند، شعارها اقتصادی و سیاسی شد و جنگ داخلی شعله ور شد. بنابراین اگر بخواهیم منطقی نگاه کنیم، محیط زیست می تواند عامل تسریع کننده باشد اما به تنهایی زمینه ساز نیست.

با توجه به معاهداتی مانند توافقنامه پاریس و کنوانسیون های سازمان ملل، آیا این معاهدات ضمانت اجرایی دارند؟

این طور نیست که تخریب محیط زیست در خلال جنگ یا جنگ علیه محیط زیست یا جنگ برای محیط زیست، در حقوق بین الملل ضمانت اجرایی نداشته باشد. الان در اساسنامه دیوان کیفری بین المللی، کنوانسیون های ژنو، پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون چهارگانه و موارد دیگر، محدودیت هایی قائل شده اند. برای مثال، نقض فاحش حقوق بشر که می تواند شامل تخریب محیط زیست باشد، ممنوع است. شناسایی کرده است. بوم زدایی می تواند مصادق جنایت جنگی باشد و در اساسنامه (ICC) قابل تعقیب است. مثلاً در پرونده عمرالبشیر رئیس جمهوری سابق سودان، یکی از بندهای اتهامات دادستان علیه او، اتهامات مربوط به پر کردن چاه های آب آشامیدنی بود که می توان آن را نسل کشی در نظر گرفت. بنابراین حقوق بین الملل ضمانت اجرایی اما اجرایی شدن آن با موانعی روبه روست.

آیا در نظام حقوق بین الملل، راهکار قانونی برای اقامه دعوا علیه اسرائیل به خاطر خسارات محیط زیستی جنگ، وجود دارد؟ به دلیل عضویت نداشتن ما (ایران) و رژیم صهیونیستی در اساسنامه ICC نمی توان به سراغ این راهکار رفت. بنابراین باید به سمت صلاحیت موضوعی یا صلاحیت تکمیلی، برویم. یکی از راهکارها، ارجاع به شورای امنیت است که ما در اینجا مشکلات خاص خودمان را داریم. طبعاً آمریکایی ها از طریق حق وتو در شورای امنیت، هیچ وقت نمی گذارند پرونده رژیم صهیونیستی به ICC ارجاع شود. موانع این چنینی وجود دارد اما به معنای آن نیست که ما کلاً حقوق محیط زیست را از بین ببریم. شما فرض کنید که همین نیم بند حقوق بین الملل هم نبود، چه اتفاقی می افتاد.